

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۰ نومبر ۲۰۲۰

سرانجام مسلمان نمائی و اسلام پناهی!

۳

دوشنبه- ۱۹ عقرب ۱۳۹۹ - کابل:

*- فضای به وجود آمده، بهترین فرصت را برای انواع و اقسام مختلف نهاد های اسلام سیاسی که کلاً در افغانستان به نام "اخوان المسلمین" و به مثابه ابراز نفرت "اخوان و اخوانی" یاد می شدند، مساعد ساخت. آنها که در گذشته بخت و اقبال خود را آزمایش نموده بودند و هم در زمان شاه و هم در زمان "داوود"، نه تنها خینه آنها رنگ نگرفته بود بلکه اساساً با نفرت مردم و توده های میلیونی کشور مواجه شده، توسط آنها خلع سلاح و با بی حرمتی و اهانت آمیز به نیروهای امنیتی دولت "داوود" سپرده شده بودند، اسلام ستیزی شکلی و عاری از محتوای باند های "خلق-پرچم" را عطیه الهی دانسته، زیر نام "اسلام در خطر است" نه تنها افکار، عقاید و شعار های شان را بین توده های به پا خاسته انتقال دادند، بلکه بعد ها با برخورداری از امکانات گسترده ای که امپریالیسم و ارتجاع جهانی در اختیار آنها قرار داده بود، خود را بر امواج جنبش های خود جوش مردم نیز سوار نموده، مبارزات آزادیخواهانه، دموکراتیک و ضد ظلم و اجحاف مردم افغانستان را که علیه حاکمیت نوکران روس و بعد ها اشغالگران روسی دوام داشت، از درون و محتوای انقلابی و آزادیخواهانه تهی نموده، آن را در رایت مندرس و متعفن "انقلاب اسلامی"، "جمهوری اسلامی"، "نظام اسلامی"، "شریعت اسلامی" و "امارت اسلامی" پیچاندند.

*- در چنین شرایطی که از یک سو، اسلام ستیزی احمقانه و شکلی باند های خلق و پرچم روز تا روز در ذهن توده های میلیونی ما ترس اضمحلال اسلام را زنده می ساخت و از جانب دیگر، فعالیت های تبلیغاتی باند های منادی اسلام سیاسی یا همان اخوانی های شیعه و سنی، فرصت را غنیمت دانسته با سوء استفاده از سطح پائین آگاهی مردم حتا در مخالفت با قرآن که باربار وعده نموده که خداوند خودش حافظ دین خودش است و هیچ چیزی آن را نابود کرده نمی تواند، آنها را زیر نام "اسلام در خطر است"، به نفع خود بسیج، سازماندهی و مسلح می نمودند، یگانه نیروئی که می بایست بی هراس از تبلیغات اخوان سینه سپر می نمود و با تکیه بر تجارب احزاب کمونیستی بزرگ جهان از شوروی تا چین و با تفسیر رهنمود های "لنین، ستالین و مائو"، نه تنها بر تفاوت بین کمونیسم و رویزیونسم و افشای ماهیت سوسیال امپریالیستی دولت شوروی تأکید می ورزید، بلکه با افتخار کامل ورود شان را از موضع کمونیست های واقعی کشور در نبرد ضد کمونیست ها در وجود باند های خلق و پرچم و بادران روسی شان اعلام می نمودند، خود بر اساس

همان ضعف تیوریک و برداشت های ناقص شان از اسلام و مارکسیسم، به چنان عقب گرد های دست یازیدند که اخوان نیز به گرد پای شان نمی رسید.

از جمله از آنجائی که بعد از ضربت خوردن مرگ آور "سازمان رهائیبخش خلقهای افغانستان"- سرخا- بیشترین و عمده ترین بخش یاقیمانده از جریان دموکراتیک نوین که انتظار انجام وظایف تاریخی در مبارزه علیه سه کوه زشت- (امپریالیسم، سوسیال امپریالیسم و ارتجاع هار مذهبی" آنها را به روزنه امید مردم مبدل نموده و در دو نهاد "ساما" و "رهائی" تمرکز یافته بودند، انتظار می رفت که آنها با درک رسالت تاریخی شان، در نبردی که بر آنها تحمیل شده بود، نخستین وظیفه شان را در ترسیم خط فاصل بین خود و دولت دست نشانده و منادیان اسلام سیاسی ترسیم نموده، وظیفه تاریخی شان را در بالابردن سطح آگاهی مردم از سه کوه زشت، به انجام برسانند.

امری که با تأسف و دریغ نه تنها از طرف آنها پیشبرده نشد بلکه با سلطه پراگماتیسم و اپورتونیسم بر آن نهاد ها، یکی هدفش را "جمهوری اسلامی مردمی" اعلام داشت و آن دیگری از آن هم فرا تر رفته، با طرح "انقلاب اسلامی" به مثابه هدف نهائی و غائی اش، طشتی از قیر را بر روی خود کشیده، صد ها و هزاران کمونیست پاکباز این کشور را به جای آن که در زیر درفش پر افتخار پرولتاریا سازماندهی و به میدان جنگ گسیل دارند، در رایت مندرس مسلمان نمائی پیچانده، به قربانگاه های سه کوه زشت فرستادند، بدون آن که حتا امکان آن را بیابند تا از خون آنها نهال آزادی، دموکراسی و ترقی اجتماعی را آبیاری کرده باشند و یا این جرأت را نمایند، که جانبازان جنبش کمونیستی افغانستان را با هویت ایدئولوژیک شان به خاک سپارند.

*- مصیبت در همین جا خاتمه نیافته، نوکران روس که در زیر فشار روز افزون خلق ما، سوراخ دعا را گم نموده بودند، از آنجائی که اسلام ستیزی نخستین آنها شکلی و فاقد محتوای تیوریک و فاصله بین خود و مذهب بود، با مشاهده اوضاع در زیر ضربات پیگیر دشمنان شان که تلاش می ورزیدند تا مبارزات آزادیخواهانه خلق ما را از محتوا تهی نموده به آن شکل خواست مذهبی و عقیدتی بدهند، ظاهراً به مثابه تاکتیک پیشی گرفتن از دشمنان اخوانی شان، مگر در واقعیت امر تحت تأثیر ته مانده های افکار و عقاید مذهبی شخص خودشان که تا آنزمان با آن تصفیه حساب وجدانی ننموده بودند، اسلام ستیزی دیروزین را به مسلمان نمائی و تقویت اسلام مبدل ساخته، کار را تا جائی رسانیدند که در آخرین سالهای های حاکمیت مزدوران روس، در سراسر افغانستان ۶۰ هزار مسجد تحت حمایت مادی حاکمیت پوشالی مزدوران روس قرار گرفته تمام ملا امامان آن مساجد، معاش ماهوار از جانب دولت پوشالی دریافت می داشتند.

و این برای بار اول در تاریخ افغانستان بود که با چنین گستره و پهنائی، قشر مفتخور آخذ این چنین از جانب یک حاکمیت مورد حمایت قرار می گرفت. واضح است که تأثیر چنین سیاستی، به ترویج سیستماتیک، مسلمان نمائی و اسلامی پناهی منجر شده، تمام افشار مفتخور و کلاش، بهترین راه تأمین درآمد را در اسلام پناهی و مسلمان نمائی جست و جو نمودند. یعنی به همان سان که اسلام تیزی نخستین باند های خلق و پرچم، توده های میلیونی ما را در دام اخوان و اسلام سیاسی انداخت، تمکین و مسلمان نمائی ها و اسلام پناهی های بعدی آنها، قشر آخذ را به مثابه برگزیدگان جامعه، بر کرده مردم سوار نمود. خیانت دوگانه باند های خلق و پرچم.

ادامه دارد